

بسم الله الرحمن الرحيم  
اکراین و کشمکش‌های نوین بالای موقف بین‌المللی  
(قسمت سوم و پایانی)

## مقالات



(ترجمه)

در قسمت گذشته در مورد پیمان‌ها و شراکت فی مابین روسیه و چین صحبتی داشتیم؛ حال خواهیم پرداخت به این‌که چگونه این تقارب میان روسیه و چین آغاز شده و اهدافی که در پشت آن نهفته است چیست؟ و این‌که آیا این دو کشور توان این را دارند که به سمت رویاروی و مقابله با سلطه‌طلبی امریکا و پایان دادن به استیلای آن بر جهان، گامی بردارند؟!

چیزی که روسیه و چین را در این شراکت دورهم جمع نموده است، دشمن مشترک هر دو می‌شان، به‌طور ویژه امریکا و به‌طور عام پیمان ناتو می‌باشد، اما هم‌زمان با این تقارب و این‌نگاه نسبت به امریکا، این دو کشور با امریکا و اروپا روابط تجاری، سیاسی و دیپلوماسی نیز دارند؛ علی‌رغم خلل‌های وارده در این روابط، به دلیل برخی برهم‌خوردگی‌ها و کیفرهای عاید شده در نواحی معین، مخصوصاً کیفرهای وارده بعد از سال 2014م بر روسیه و بعد از سال 2018م بر چین، پس از این‌که چین از روسیه اسلحه پیشرفته خریداری نمود. امریکا در دوره رئیس‌جمهور بایدن، بیشتر از 50 شرکت چینی را در اتهام به روابط مشکوک با ارتش چین، درج لیست سیاه نموده، جرایم و کیفرهای اقتصادی بر آن وضع نموده است! علی‌رغم اقداماتی که امریکا برای قلاده نمودن چین، نیز روی دست گرفته است، یعنی از طریق پیمان‌های مشترک با امریکا و یا با چندین دولتی که تابع

سیاست‌های اقتصادی و سیاسی آمریکا می‌باشند، مانند پیمان چهار ضلعی نظامی (کواد) در سال 2007م و تقویت این پیمان در سال 2020م پس از مانورهای (مالابار)؛ که شامل آمریکا، هند، استرالیا و جاپان می‌شود، همان‌طور پیمان سه ضلعی نظامی (اوکوس) در سال 2021م بین آمریکا، انگلیس و استرالیا.

نیاز روسیه به چین پس از وضع کیفرهای سال 2014م بلافاصله بعد از ضم کریمیه در اکراین، بیشتر شد، هم‌چنان آمریکا عرصه را بر روسیه در دوره بایدن تنگ نموده و رسانه‌های آمریکای پوتین را قاتل عنوان نمود، پیش از نشست بایدن و پوتین، در سال 2021م آمریکا در صورت عدم همکاری روسیه با آمریکا، تهدید به ضم اکراین به پیمان ناتو نمود، بعد از این نشست و بعد از این‌که روسیه در خواست آمریکا را برای دوری از چین، رد نمود، شکاف میان آمریکا و روسیه زیاد شد، آمریکا به کیفرهای خویش علیه روسیه شدت بخشیده، تلاش نمود تا برخی از دولت‌های اروپای مانند آلمان را قناعت دهد که جلو صادرات گاز از روسیه را بگیرند و در عوض از آمریکا گاز بگیرند، به استثنای آلمان که این موضوع را رد نمود.

از مهم‌ترین اموری که چین و روسیه، برای نجات از استیلا و سلطه طلبی آمریکا، در آینده نزدیک، مد نظر دارد، امور زیادی است که بارزترین شان عبارت است از:

1- تلاش‌های روسیه و چین برای نجات و آزادی از استیلا جهانی دالر؛ ارزی که پشتبانه تمام ارزهای جهان بوده، ارز اساسی و اصلی برای تبادلات تجاری کالای حیاتی و پترول است. در واقع این دو کشور گام‌های به این سمت برداشتند، از جمله اقدام روسیه به همکاری با چین در این اواخر از طریق امضای بزرگترین قراردادهای تجاری با چین به ارز محلی به جای دالر، همان‌طور چین نیز ارز دیجیتال یوان را استخراج نموده و کمیت معاملات انجام شده با این ارز در داخل چین سالانه به 42 تریلیون دالر می‌رسد. علاوه بر این، چین اقدام به تبدیل دالر به طلا در مقادیر هنگفتی نموده است؛ طوری که بانک ملی چین، به قیمت 100میلیار دالر طلا خریداری نموده است.

2- پیمان‌ها و شراکت‌های استراتژیک در حال حاضر برای روسیه و چین این امکان را مهیاء کرده است که توافقاتی مانند این را شکل دهند، از پیمان‌ها می‌توان گفت تا توافقاتی که با دولت‌های نزدیک خویش انجام می‌دهد، به طور مثال از جمله است پیمان‌های روسیه با دولت‌های عضو جماهیر شوروی سابق، مانند سازمان معاهدات امنیت جمعی سال 2002م و پیمان رابطه دولت‌های مستقل در سال 1991م. همان‌طور چین نیز پیمان‌های را با روسیه و

کوریای شمالی شکل داده است، بطور مثال تجدید پیمان شراکت استراتژیک در بیست سال آینده، در سال 2001م و تجدید دوباره آن در سال 2022م در این دوره از بازمانده‌های المپیک. در واقع موقف روسیه در پیمان‌های تقارب، از موقف چین در این زمینه به مراتب قوی‌تر است، این به دلیل میراث قدیم شوروی می‌باشد. بنابراین، چین زیاد بر این پیمان‌ها خاطر جمع نمی‌باشد، مخصوصاً این‌که آمریکا با محیط و اطراف نزدیک چین پیمان‌های بسیاری بسته است، از جمله محیط بحر چین جنوبی، محیط اقیانوس آرام و تایوان.

3- ایستادگی در برابر توسعه نظامی و اقتصادی آمریکا: این موضوع در قضیه اکراین به شکل واضحی متبازل می‌باشد، چنانچه یکی از اسبابی که روسیه را وادار به ورود در جنگ نمود، جلوگیری از تأسیس پایگاه‌های نظامی آمریکا در داخل اکراین و تهدید روسیه از نزدیک بود، همان‌طور که به همین منظور روسیه در قضیه تغییر نظام در قزاقستان موقف قطعی گرفت، در اکراین نیز نگذاشت که آمریکا مانند گذشته مزدوران خویش را حاکم نموده و در آینده در این منطقه پایگاه‌های جدید نظامی تأسیس کند.

4- تأثیرگذاری در تقارب و همکاری دائر بین آمریکا و اتحادیه اروپا؛ منظور همکاری‌های دائر در امتداد تاریخی وقایع پیش آمده پس از جنگ جهانی دوم می‌باشد، از تشکیل پیمان نظامی در قالب پیمان ناتو، همکاری اقتصادی دائر بر تجارت و پیمان‌های تجاری آمریکا پس از جنگ جهانی دوم. حتی آمریکا پیوسته اروپا را از اردوگاه‌های نظامی و ارتش‌های شرقی، در رأس آن روسیه، ترسانده و پیمان ناتو را به عنوان پناهگاه به اروپا که آویخته پیمان ناتو می‌باشد، عرضه می‌دارد. چیزی که به خاطر حمایت باعث وابستگی اروپا به آمریکا می‌شود، مخصوصاً پس از این‌که اروپا در تشکیل قوای نظامی دولت‌های اروپای ناکام مانده، هم‌چنان نیازمند پیمان ناتو زیر چتر آمریکا می‌باشد. تلاش‌های روسیه و چین بر این است که دولت‌های اروپایی را به تمرد در برابر آمریکا تشویق نمایند، از طریق تشویق به تشکیل همکاری اقتصادی در میان شان، تا این‌که در قدم اول از استیلای دالر نجات پیدا کنند، تلاش می‌کنند تا به اروپا نسبت به تجاوز آمریکا اطمینان خاطر داده و آن را به توسعه در برابر آمریکا تشویق نمایند.

5- تقویت همکاری‌های استراتژیک میان هردو کشور، جلب برخی از کشورهای ستم دیده از سیطره آمریکا، به سمت خود، از طریق پیمان‌های اقتصادی با آنان و از طریق ارائه کمک‌های بسان آمریکا بوده، چنانچه چین در سال‌های اخیر چندین مورد به دولت‌های فقیر کمک نموده است و به قیمت 842 میلیارد هزینه‌ها و قرضه‌های 165 دولت را پرداخت نموده است.

6- تلاش برای جلوگیری از یکه‌تازی امریکا در تصمیم‌گیرهای بین‌المللی و کشاندن جهان در عقب‌اش، تا این‌که امریکا احساس تنهایی نموده و نتواند مشارکت بین‌المللی را برای سلطه‌طلبی خویش ایجاد کند، این امر در چندین مناسبت در جریان رأی‌دهی در شورای امنیت متبازر گشته است، آخرین آن علیه اکراین بوده است.

این تلاش‌ها اگرچه روسیه و چین را به شکل سریع به اهداف مد نظرشان نمی‌رساند، اما در قضیه تک‌قطبی امریکا در جهان، در استیلا و سلطه‌طلبی امریکا تأثیر گذار خواهد بود و در عین زمان باعث ضعف اقتصادی و سیاسی امریکا نیز می‌شود، حتی باعث بر ملاء شدن عمل‌کردهای شرم‌آور امریکا در برابر هم‌پیمانان و دوستان اروپایی آن نیز می‌شود، و در آینده این دولت‌ها را به شکل تأثیرگذاری وارد سازمان‌های بین‌المللی نموده، در نهایت امریکا را مجبور می‌کند که در برابر سازمان‌های بین‌المللی سر تعظیم فرود آورد، چون در آن صورت هر واقعیتی غیر از این از امریکا قیمت زیادی گرفته و آن را صدمه خواهد زد و به زودی بسیاری از دولت‌های عضو پیمان ناتو از آن دور شده، باعث می‌شود که از لحاظ بین‌المللی منزوی شده و از این جایگاه اش به زیر آید. بنا براین، امور چگونه ادامه خواهد داشت و تحولات پیش آمده در جهان، در مسیر تحقق این هدف مشترک و مطلوب، چه خواهد بود؟ طبیعت حوادث و سرعت وقوع آن‌ها، خروج و یا بقای دولت‌ها در پیمان با امریکا و همان‌طور پیش آمدها و امور دیگری که در میزان بین‌المللی تأثیر گذار است، این پرسش را پاسخ خواهد داد.

اما نباید نادیده گرفت که امریکا هنوز یک غول اقتصادی و نظامی می‌باشد، طبق گزارشات بانک جهانی، اقتصاد آن حدود یک ربع از تولیدات جهانی را شکل می‌دهد. از 89 تریلیون دالر حجم تولیدات جهانی، 21 تریلیون دالر حجم تولیدات امریکا است.

بدلیل قدرتی که امریکا هنوز از آن بر خوردار است، برای مجبورسازی آن به پذیرش واقعیت امر پایان‌دادن حالت استیلاي جهانی آن، موجودیت دولت تأثیرگذار جهانی را می‌طلبد. از الله سبحانه و تعالی می‌طلبیم که کینه و دشمنی را میان این دولت‌ها نهادینه سازد تا واقعیت‌های شرم‌آور مبادی در حال سرنگون شان، برای ملت‌های خودشان و تمام ملت‌های جهان، بر ملاء شود؛ از الله سبحانه و تعالی می‌خواهیم که هرچند زودتر به شرارت‌آنان پایان داده و امنیت و عدالت را زیر چتر خلافت راشده بر منهج نبوت، بر پا بدارد.

پایان.

برگرفته از شماره 384 جریده الرایه

نويسنده: استاد حمد طيب - بيت المقدس -  
مترجم: علي مطمئن